چند راه‌کار ثبوتی عملی برای زمان شروع ماه

۲۸:۳۵

عرض من در یک کلمه این است: وقتی توافق کردیم که این لحظه یک لحظه است، شبیه لحظه حلول شمس به برج حَمَل است که در سال شمسی می‌گوییدی تحویل سال شده است. ثانیه آن را هم می‌گوییدی. در آن لحظه و ثانیه هم توپ در می‌کردند. حالا نمی‌دانم توپ در می‌کنند یا نه؟ وقتی سن ما کم بود این توپ لحظه تحویل سال برای خودش یک چیزی بود. گویا با این توپ می‌گفتند که تحویل شد. خب برای چه کسی؟ این لحظه، لحظه واحدی بود. نه ربطی به ایران داشت و نه ربطی به زیر زمین داشت و نه به بالای آن. لحظه واحد بود. چرا؟ چون ظاهرهٔ سماویه است. اصلاً مال آن‌ها بود. آنکه تنظیر داریم در اینجا هم همین است.

حالا می‌مانند که چه کار بکنیم؟ عرض من این است: در اینجا ثبوتا در اینکه در ادامه چه کار بکنیم یک گزینه نیست. ثبوتا چند گزینه خوب داریم. هر کدامش هم فوائدی دارد، خوبی‌هایی دارد، محاسنی دارد و مساوئی دارد. و لذا می‌بینید بین وحید به‌بهانی به‌عنوان استاد و شاگردشان سید بحرالعلوم و این طرف صاحب جواهر چنان نزاع می‌شود؛ بعداً اگر عمری بود وقتی مصباح را خواندیم می‌بینید. عرض من این است: دو روایت از اهل البیت علیهم‌السلام آمده و می‌گوییدی که این‌ها معارض هستند و باید دعوا کنیم. اگر دیدیم که در اینجا گزینه‌های ثبوتی هست و وقتی چشم ما چند گزینه ثبوتی را می‌بیند که دلیل اثباتی هم روی این گزینه‌ها دست می‌گذارد، چرا بگوییم که متعارض هستند؟! مقصود من روشن است؟ یعنی تعارض وقتی است که ثبوتا تکاذب باشد و نتوانند آن دو با هم جمع شوند. وقتی برای شما واضح شود که الآن آن لحظه شد، حالا چه کنیم؟

شاگرد: این ثبوت را برای بدء الحساب آن می‌فرمایید؟ و الا ثبوتا آن ظاهرهٔ سماویه است که یک لحظه بیشتر نیست.

استاد: بله، حالا چه کار کنیم؟

شاگرد: در بدء الحساب آن چند احتمال ثبوتی داریم.

استاد: بله، چند احتمال ثبوتی داریم. چون اگر ثبوت این‌ها درست نشود، اثبات آن و اعتباریات آن حکیمانه نخواهد بود. ما ثبوتا آن احتمالات را داریم. ساده‌ترین آنکه در هیچ کجا هم مرسوم نیست؛ روایات عدد چه کار کرده؟ روایات عدد می‌گوید که شما کل سال را در نظر بگیر و بگو یک ماه بیست و نه و یک ماه سی. سه ـ چهار سال یک بار هم یک سال را کبیسه حساب کن. با کبیسه‌های مفصلتری که روایات آن ان شاءالله بعداً می‌آید. چرا باید کبیسه بگیرید؟ می‌گوییدی فاصله حرکت متوسط این دوره بیست و نه روز و دوازده ساعت و چهل و چهار دقیقه است. یک راه دیگر که نمی‌دانم کسی آن را گفته یا نه، این است. می‌خواهیم تنها ثبوت راه ثبوتی را بگوییم. شما می‌گوییدی بیست و نه روز و دوازده ساعت که یعنی بیست و نه روز و نیم. خب به جای اینکه روایات عدد را به کار بگیرید و بگوییدی یک ماه بیست و نه روز و یک ماه سی است، به این صورت بگوییدی: یک ماه سی روز و بیست و نه شب و ماه بعدی بیست و نه روز و سی شب است،

دراین‌صورت شما دوازده ساعت را سامان داده‌اید. فقط کار آن سخت است؛ یعنی به هم می‌ریزد و مردم یادشان می‌رود. و الا این هم سامان می‌دهد. چرا؟ چون شما آن چیزی را که اضافه داشتید تنها دوازده ساعت بود. یعنی نصف روز کار را خراب می‌کرد. خب بیایید این کار را بکنید. نمی‌دانم کسی این را گفته یا نه.

شاگرد: چهل و چهار دقیقه را چه کار کنیم؟

استاد: دوباره برای این چهل و چهار دقیقه باید کبیسه درست کنیم. ولی خب این هم یک راه است. به جای این‌که بگوییم سی روز و شب، بیست و نه روز و بیست و نه شب، بگوییم یک ماه سی روز و بیست و نه شب، ماه بعدی سی شب و بیست و نه روز. دراین‌صورت هم دوازده ساعت سامان پیدا می‌کند. ببینید این هم ثبوتی است. چندین وجه ثبوتی دیگر هست. هر کدام هم یک فوائدی دارد. یعنی هر کدام را که اعمال می‌کنید می‌بینید یک آثار خوبی دارد و یک مشکلاتی هم دارد. راه دیگری را اعمال می‌کنید، می‌بینید یک خوبی‌هایی دارد و یک مشکلاتی دارد. حالا ایشان اشتراک در شب را گفته‌اند که خیلی مشکل است. و لذا معظم در شب و چیزهای دیگری را به آن اضافه کرده‌اند.

پس عرض من مانده است. این بزنگاه یادمان نرود. مشکل ما این است که می‌خواهیم تطبیق دهیم چه چیزی را؟ بیست و نه روز و نیم را بر حرکت وضعی بیست و چهار ساعته شبانه‌روز. خلاصه باید آن را یک کاری بکنیم. از ظهر تا ظهر بگیریم؟ از غروب تا غروب بگیریم؟ از طلوع تا طلوع بگیریم؟ بین یک ماه تا یک ماه تفرقه بیاندازیم؟ تفرقه بیاندازیم بین سی روز و بیست و نه شب؟ راه‌های مختلفی است.

شاگرد: اگر بگوییم که ما احتیاجی به بدء الحساب نداریم، چه می‌شود؟ یعنی بگوییم هر وقت با چشم عادی دیدیم همان موقع شروع ماه است. یعنی چه استحاله‌ای دارد که ما اصلاً بدء الحساب نداشته باشیم؟ ظاهرة سماوی است که وقتی رؤیت کاشف از آن شد، کافی است.

> 34:44

استاد: علی ای حال به صرف این‌که بگوییم دیدیم، نمی‌شود. آن‌هایی که در شب هستند چه کار کنند؟ به آن‌ها بگوییم ماه نیست؟ لازمه‌اش این است که ما دو ماه داریم. وقتی ماه را دیدیم برای ما ماه مبارک شروع شده؛ همان که حاج آقای سیستانی صریحاً می‌گویند. می‌گویند ماه رمضان نوعی است. امسال ما برای کره زمین یک فرد ماه مبارک نداریم. این خلاف ارتکاز است که بگوییم امسال کره زمین دو ماه مبارک دارد. یعنی نوعی است نه شخصی. ای همان‌طور که گفته‌اند سه ماه مبارک داشته باشیم.

بازبینی #1
ایجاد شده 5 ژوئیه 2026 19:52:13 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 ژوئیه 2026 19:55:39 توسط ... .